

رهبر انقلاب در سخنرانی سالروز رحلت حضرت امام تبیین کردند

تکمیل حماسه با مشارکت حداکثری



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دوشنبه در اجتماع عظیم مردم درسی و پنجمین سالگرد عروج حضرت امام خمینی (ره) با تجلیل از ویژگی ها و خدمات رئیس جمهور شهید و قدرانی از حضور پر معنا و عظیم ملت در تشییع شهدای خدمت، گفتند: «حماسه انتخابات بسیار مهم پیش‌رو، مکمل حماسه ملت در بدرقه شهدای خدمت است و ان‌شاء الله در سایه مشارکت پرشور، آرای بالای ملت و حاکمیت اخلاق در رقابت‌های انتخاباتی، رئیس جمهوری «پرکار»، «فعال»، «آگاه» و «معتقد به مبانی انقلاب» برگزیده می‌شود و ضمن پر شور خف‌رهای اقتصادی و فرهنگی، منافع ملت در منطقه و جهان حفظ و تأمین خواهد شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، متن کامل بیانات رهبر انقلاب بدین شرح است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
و الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفیّ محمد و علی و الاطیبیین الاطهریین المتجنّبین الهداة المهدتین المعصومین المکرمّین سیمیا بقیّة الله فی الارضین.
این اجتماع بزرگ هر ساله دارای یک هدف مهم و مورد نیاز ملت ایران است، و آن عبارت است از تجدید بیام یاد بزرگوار و به‌روگیری از درس امام بزرگوار برای پیشرفت کشور و اداره کشور و تعقیب اهداف بلند انقلاب؛ یا از درس امام استفاده کنیم که در بیانات ایشان و در نوشته‌های ایشان در دسترس ما و در اختیار ما است، یا از ابعاد شخصیت امام بهره‌مند بشویم که خود این ابعاد شخصیت برجسته بی‌ظنیر امام بزرگوار، هر کدام درسی است برای ما.
امروز هم من از نگاه امام بزرگوار، از زاویه به دید امام بزرگوار، می‌خواهم [راجع] به دو موضوع مهمی که در فاصله خرداد گذشته تا امروز اتفاق افتاده است، کلماتی را عرض کنم، مطالبی را بیان کنم. این دو موضوع، یکی مساله فلسطین است که امروز مساله اول دنیا است و با یک حمله عظیم مردمی آغاز شد و دنباله‌های آن تا امروز چشم دنیا را متوجه خود کرده است و آن را به مساله اول دنیا تبدیل کرده است؛ یکی هم حادثه تلخ فقدان رئیس جمهور عزیز و مغتنم ما است که آن هم حادثه بزرگی است و هم در دایره داخلی کشور، هم در عرصه جهانی، شهادت رئیس جمهورمان و همراهان شان پیامد هایی دارد، و یکی از مسائل مهم تاریخ انقلاب محسوب می‌شود. راجع به این دو موضوع از زاویه نگاه امام می‌خواهیم نگاه کنیم و بحث کنیم؛ بعد هم البته ان‌شاء الله درباره مساله انتخابات و این وظیفه ملی و عمومی‌ای که در زمینه انتخابات داریم، چند کلمه‌ای عرض خواهم کرد.

یکی از برجسته‌ترین درس‌ها در رویدادهای امام اما در قضیه فلسطین مشاهده می‌کنیم؛ امام بزرگوار از روز اول شروع نهضت اسلامی، روی مساله فلسطین تکیه کردند، مطالبی گفتند، آئینده‌نگری‌ای کردند و راهنمایی‌هایی به ملت‌های مسلمان و به خود ملت فلسطین کردند. آنچه امام بزرگوار درباره آینده فلسطین از ۵۰ سال قبل یا بیشتر پیش‌بینی کرده بودند، امروز به تدریج در حال تحقق یافتن است؛ این روشن‌بینی امام در مساله فلسطین، موضوع بسیار مهمی است که بعد توضیحی عرض خواهم کرد. البته این روشن‌بینی و آئینده‌نگری و دقت نظر امام بزرگوار در موارد، مخصوص مساله فلسطین نبود؛ در بسیاری از قضایای جاری و مهم کشور، نظر امام، نگاه دقیق امام، روشن‌بینی امام در جلوی چشم کسانی که آنها را شنیده بودند تحقق پیدا کرد که نمونه‌های زیادی دارد. یک نمونه همان روزهای اول نهضت است؛ آن روزی که نهضت اسلامی به رهبری امام بزرگوار اولین گام‌های خود را برمی داشت و رژیم طاغوت در فیزیجه قم، در خیابان‌های قم، در تهران، هر حرکتی را با شدت و بی‌رحمی تمام سرکوب می‌کرد، در یک چنین شرایطی که مبارزین تعداد اندکی بودند و طرف مقابل هم یک رژیم جبار و بی‌رحم بود، ایشان خطاب به ما‌ها که آن روز طلبه‌های جوانی بودیم، فرمودند: «اینها رفتنی هستند، شما می‌مانید.» آن روز کسانی که اهل تحلیل بودند، اهل مطالعه مسائل گوناگون کشورهای مختلف و مبارزات و مانند اینها بودند، از این جور سخنی تعجب می‌کردند؛ ایشان گفتند همین هم شد.

یک نمونه دیگر در اواخر دوران عمر باریکت این بزرگوار است و آن، مطلبی است که ایشان در نامه به رئیس شوروی سابق نوشتند، که این جزء عبارات ماندگار تاریخی است. آن روز که شوروی سابق در اوج شوکت و اعتبار به نظر می‌رسید، ایشان گفتند که صدای شکستن استخوان‌های رژیم کمونیستی‌رامی شنوند؛ هیچ‌کس آن روز تصور چنین وضعی را نمی‌کرد؛ ایشان گفتند، و خیلی نگذشت که آنچه ایشان پیش‌بینی کرده بودند اتفاق افتاد.

امام در قضیه فلسطین، با بیان نگاه، با این دید وارد فضا یا شدند. آنچه حاصل و خلاصه خولسته امام بزرگوار در باب فلسطین بود، این بود که دل به مذاکرات سازش بسته نشود.

دل نبنندند، امیدوار نباشند به اینکه بتوانند با مذاکرات سازش، مشکل فلسطینی‌ها را حل کنند و در مساله فلسطین به یک نقطه عادلانه برسند؛ این خلاصه حرف امام بود. ایشان معتقد بود باید خود مردم فلسطین در میدان عمل حق خودشان را بگیرند و دشمن را، یعنی رژیم صهیونیست را وادار به عقب‌نشینی کنند، او را تضعیف کنند، و همه‌ملت‌های دنیا و بالخصوص دولت‌های مسلمان از فلسطینی‌ها حمایت کنند؛ این همیشه تکرار می‌کردند که اگر ملت‌ها از میدان بشوند، خود فلسطینی‌ها اقدام کنند و کمر به عمل بزنند، اگر این‌طور آشد، رژیم صهیونیست وادار خواهد شد به اینکه عقب‌نشینی کند. امروز این اتفاق افتاده است؛ که من حالا توضیح خواهم داد. فلسطینی‌ها در ماجرای طوفان الاقصی وارد میدان شدند، عمل کردند، اقدام کردند و دشمن را در کنج میدانی قرار دادند که هیچ راه فراری و وسیله نجاتی برایش وجود ندارد. بله، آمریکا از رژیم صهیونیست حمایت می‌کند، بسیاری از دولت‌های غربی حمایت می‌کنند اما همه هم اعتراف می‌کنند و قبول دارند که شرایطی که برای حکومت صهیونیست به وجود آمده است، شرایطی است که راه نجاتی برای آن رژیم وجود ندارد. در باب این حرکت عظیم مردم فلسطین من در اینجا چند جمله‌ای توضیح عرض می‌کنم.

دقیقه‌ها اساسی در حادثه طوفان الاقصی وجود دارد که باید به آن توجه کرد؛ در نقطه اساسی و مهم، یک نقطه‌ای است که این عملیات طوفان الاقصی که در پانزدهم مهر گذشته اتفاق افتاد، دقیقاً مورد نیاز منطقه بود؛ منطقه ما به این عملیات نیاز داشت؛

این پاسخ به یک نیاز بزرگ منطقه بود که شرح خواهم داد. نقطه دوم این است که این عملیات یک ضربه تعیین‌کننده‌ای به رژیم صهیونیست بود؛ ضربه‌ای که هیچ علاجی برای آن وجود ندارد، و رژیم صهیونیست بر اثر این ضربه دچار ابتلالاتی شده است که از این ابتلالات نجات پیدا نخواهد کرد.

اما آن نقطه اول که گفتیم عملیات طوفان الاقصی دقیقاً در لحظه نیاز منطقه اتفاق افتاد، توضیحش این است که یک نقشه جامع وسیعی به وسیله آمریکا و عناصر صهیونیست و دنباله‌های آنها و بعضی از دولت‌های منطقه طراحی شده بود که بر اساس این نقشه جامع قرار بود مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند. ارتباط رژیم صهیونیستی با دولت‌های منطقه طبق خواسته خود آن رژیم تنظیم بشود و معنایش تسلط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کل منطقه غرب آسیا بلکه کل دنیای اسلام بود؛ یک برنامه وسیعی را طراحی کرده بودند که این نتیجه‌اش بود. این برنامه را با مقدمات زیادی پیش برده بودند؛ آمریکا پشت سر این برنامه بود، انگلیس پشت سر این برنامه بود. جامعه صهیونیستی جهانی پشت سر این برنامه بودند، بعضی از دولت‌های منطقه با جدیت در این برنامه همکاری می‌کردند؛ این برنامه به لحظه‌های پایانی خودش رسیده بود؛ یعنی چیزی نمانده بود که این برنامه و نقشه بلندمدت به مرحله اجرای عملی برسد. در یک چنین لحظه حساسی حمله طوفان الاقصی آغاز شد و همه نقشه‌های دشمن را بر باد داد. طوفان پانزدهم مهر نقشه با دقت طراحی شده دشمن را باطل کرد و با وضعی که در این هشت ماه پیش آمده است، آمدیدی هم به اینکه بتوانند این نقشه را دوباره احیا کنند چندان وجود ندارد. کار بزرگ مهمی انجام گرفت. اینکه شما می‌بینید رژیم صهیونیستی با چنین شدتی و قساوتی به مردم بی‌دفاع غزه حمله می‌کند، واکنش عصبی رژیم به باطل شدن آن نقشه است. اینکه می‌بینید دولت آمریکا در مقابل چشم همه مردم دنباله این جنایت‌ها کما کم می‌کند، به خاطر واکنش عصبی آنها است از باطل شدن نقشه‌ای که با زحمت زیاد این نقشه را کشیده بودند. طوفان الاقصی یک چنین معجزه‌ای کرد. این طوفان الاقصی درست در وقت خود و در لحظه خود اتفاق افتاد. بنده البته نمی‌توانم ادعا کنم که طراحان طوفان الاقصی آیا می‌دانستند که چه کار بزرگی را دارند انجام می‌دهند یا نه. من نمی‌دانم. اما واقعیت این است که این کاری که اینها انجام دادند، یک کاری بود که هیچ چیز دیگری نمی‌توانست جای آن را بگیرد؛ اینها یک نقطه بزرگ بین‌المللی برای منطقه غرب آسیا را با عملیات طوفان الاقصی از بین بردند و باطل کردند. این نقطه اول.

و اما نقطه دوم، که که گفتیم عملیات طوفان الاقصی یک ضربه تعیین‌کننده به رژیم صهیونیستی است، یک ضربه‌ای بود که قابل جبران نیست و رژیم صهیونیستی را در یک مسیر فرار داده است که انتهای آن مسیر چند ضامحلال و نابودی چیز دیگری نیست. درباره این بخش از قضیه زیاد صحبت کرده‌ام؛ از اول وقوع طوفان الاقصی تا حالا، بارها درباره این مساله صحبت کرده‌ام؛ من امروز می‌خواهم از زبان دیگران در این باره حرف بزنم. نظرات خودمان را در فعالی‌مان گذاریم کنار؛ من نظرات کسانی را عرض می‌کنم که از لحاظ جهت‌گیری و رویکرد با ما همراه نیستند.

همه تحلیل‌گران غربی، اعم از اروپایی، آمریکایی و حتی وابستگان به خود رژیم صهیونیستی معتقدند که در این عملیات، رژیم صهیونیستی با همه تظاهر و یال‌وکوپال، از گره معدود مقاومت شکست سختی خورده است. آنها می‌گویند رژیم صهیونیستی هشت ماه بعد از طوفان الاقصی، سختی خود را تلافی، به هیچ‌کدام از هدف‌های حداقلی خود و این هم نرسیده؛ این را تحلیل‌گران غربی می‌گویند. از این بالاتر، یک تحلیل‌گر غربی قضاوتش این است و این جور می‌گوید که طوفان الاقصی رویدادی است که می‌تواند تغییر دهنده قرن بیست و یکم باشد؛ این تلقی یک تحلیل‌گر معروف غربی است. بنده نمی‌خواهم اسم آنها را بیاورم. یک تحلیل دیگر از یک تحلیل‌گر دیگر غربی می‌گوید، طوفان الاقصی جوان را تغییر خواهد داد. یک تحلیل‌گر امنیتی صهیونیست، مربوط به داخل خود رژیم صهیونیستی، [وقتی] می‌خواهد بگوید درون سران و مسئولان بالای رژیم صهیونیستی آشفتگی وجود دارد، سرگیجه وجود دارد و نمی‌دانند چه کار باید بکنند، این جور می‌گوید که اگر محتوای بحث‌ها و اختلافات مقامات اسرائیل در رسانه‌ها منتشر شود، چهار میلیون نفر از اسرائیل خواهند رفت؛ مهاجرت مسکوک؛ یعنی سرگیجه و آشفتگی و دستپاچگی در میان مقامات اسرائیل در یک چنین حدی است. توجه کنید! این خیلی مهم است. یک مورخ اسرائیلی می‌گوید: «پروژه صهیونیستی، نفس‌های آخر خود را می‌کشد. این را یک تحلیل‌گر و مورخ صهیونیست می‌گوید و ما در آغاز پایان رژیم صهیونیستی هستیم؛ ازشت در حفاظت از جامعه یهودی در جنوب و شمال اسرائیل شکست خورده است.» ازشتی که ادعا می‌کرد جزء قوی‌ترین ارتش‌های دنیا است در داخل سرزمین خود شکست خورده؛ از چه کسی شکست خورده؟ از یک دولت قوی؟ نه، از گروه‌های مقاومت، از حماس، از حزب الله؛ از اینها شکست خورده. طوفان الاقصی این است.

از همه اینها که بگذریم، آنچه در مقابل چشم ما است و داریم مشاهده می‌کنیم، [این است که] مساله فلسطین شده است مساله اول دنیا؛ این خیلی مهم است. سال‌های متمادی تبلیغات رسمی رسانه‌های وابسته به آمریکا و وابسته به مراکز صهیونیستی ثروتمند سعی شان این بود که کاری کنند که نام فلسطین و مساله فلسطین به تدریج کم‌رنگ بشود و تدریجاً به فراموشی سپرده بشود، و مردم با دشان بود که یک چیزی هم به نام «فلسطین» وجود داشته؛ سال‌ها سعی کردند و پول خرج کردند برای این کار، [اما] امروز علی‌رغم آنها، مساله فلسطین مساله اول دنیا است. در خیابان‌های لندن، در میدان‌های پاریس، در دانشگاه‌های آمریکا به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی شعاری می‌دهند. آمریکا هم در مقابل اجماع جهانی ملت‌های دنیا ناچار دچار انفعال است و دیر یا زود مجبور خواهد شد دست خود را از پشت رژیم صهیونیستی بردارد.

البته مصیبت‌های غزه، حوادث گریه‌آور غزه، [از جمله] حمله به مردم بی‌دفاع، کشتار نزدیک به ۴۰ هزار نفر، کشتار حدود ۱۵ هزار یا بیشتر کودک، بعضاً نوزاد، بعضاً شیرخوار، این مصیبت‌ها وجود دارد؛ اینها هزینه‌هایی است که ملت فلسطین در راه نجات خود دارد این هزینه‌ها را می‌دهد، [و درعین حال] ایستاده است و مقاومت می‌کند و از حماسه‌سازان و مبارزان مقاومت دفاع می‌کند. ملت فلسطین با وجود همه این مشکلات و سختی‌ها، از مقاومت اعراض نکرد، روزگاری نکرد؛ از مقاومت دفاع می‌کند، به برکت ایمان اسلامی و اعتقاد به آیات قرآن؛ این خیلی مهم است.

واقع قضیه این است که رژیم صهیونیستی یک محاسبه غلطی کرد، یک تحلیل غلطی کرد؛ از توانایی‌های جبهه عظیم مقاومت، امروز یک جبهه بزرگی در منطقه ما وجود دارد به نام «جبهه مقاومت»؛ این جبهه توانایی‌های زیادی دارد؛ رژیم صهیونیستی در فهم این حقیقت دچار اشتباهه شد، دچار غلط شد، رژیم صهیونیستی به دست خودش، خود را در یک دالان بی‌بستی انداخت که شکست‌ها پشت سر هم و بی‌دوبی به سرافش خواهند آمد و به حول و قوه الهی از این دالان راه نجاتی پیدا نخواهد کرد. امروز رژیم صهیونیستی در مقابل چشم مردم دنیا دارد به تدریج ذوب می‌شود، دارد تمام می‌شود؛ این را مردم دنیا از ند می‌بینند. البته در تبلیغات حرف می‌زنند، اما واقع قضیه این است؛ هم دشمن‌ها می‌دانند، هم بسیاری از سیاسیون دنیا می‌دانند، هم بسیاری از ملت‌ها این را می‌فهمند و هم ملت فلسطین این را فهمیده است. این راجع به مساله اولی که گفتیم امروز می‌خواهیم بحث کنیم، [یعنی] مساله فلسطین و طوفان الاقصی. اما حادثه مهم دوم، یعنی شهادت جانگداز رئیس جمهور محترم و عزیز و پرکار و همراهان ایشان که این همراهان هم هر کدام به نوبه خود ارزشمند بودند؛ از آنها یکی بنده از نزدیک می‌شناختم، مرحوم آقای آل‌هاشم، امام جمعه فعال، مردمی و شایسته شهر تبریز، نماینده رهبری در استان مهم آذربایجان شرقی، با مردم، با جوان‌ها، با دانشجویها، با هنرمندان، با ورزشکاران، با قاطبه مردم ارتباطات قلبی و دلی و کاری برقرار می‌کرد؛ حقیقتاً شخصیت ارزنده‌ای بود. مرحوم آقای امیرعبیداللهیان، وزیر خارجه فعال، پرکار، با ابتکار، مذاکره‌کننده قوی؛ به صورت مذاکراتی را که ایشان می‌کرد در مواردی مشاهده کردم؛ یک مذاکره‌کننده قوی و باهوش و پایبند به مبانی و اصول؛ اینها کسانی بودند که من از نزدیک می‌شناختم؛ دیگران هم، چه اسناددار آذربایجان، چه برادر مامور، حفاظت رئیس جمهور، چه آن سه نفر عزیز که مامور پرواز بودند، همه اینها آن طوری که افراد آشنای به آنها می‌گویند، افراد شایسته و برجسته و مومنی بودند. فقدان اینها حقیقتاً یک خسارت بود برای کشور.

ما سا در مقابل مصیبت چه جور باید برخورد کنیم؟ این مهم است. من قبلاً بحث درباره این فقدان بزرگ را با این آیه شریفه، نورانی کنم که می‌فرماید: *و لا تقولوا لِمَن یُقْتَلُ فی سَبیلِ اللّٰهِ اُمواتٌ بَلْ اَحیاءٌ و لا تکرهون*؛ به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده اطلاق نکنید؛ اینها زنده‌اند. اطراف این آیه، چه قبل این آیه، چه بعد این آیه، بعضی از حرکت نظامی و جنگ و قتال و مانند اینها نیست؛ [می‌فرماید] «فی سبیل الله»، نمی‌شود ادعا کرد که معنای این *یُقْتَلُ فی سَبیلِ الله* کشته شدن در میدان جنگ است، چون هیچ قربانی‌ه‌ای بر این در این آیه وجود ندارد. در آیه سوره آل عمران، *و لا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِرَاقًا*، آن آیه در ضمن مسائل جهاد است؛ این آیه نه، معلق است، [می‌فرماید] «فَرِحَ» که در راه خدا کشته بشود، راه خدمت به مردم، راه خدا است؛ راه کار جهادی برای مردم، راه خدا است؛ راه اداره کشور اسلامی، راه خدا است؛ راه پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است. آقای رئیس عزیز و همراهانش، در راه پیشرفت کشور، در راه خدمت به مردم، در راه اعتلای جمهوری اسلامی کشته شدند. [لَا] مشمول این آیه‌اند، اینها را اموات ندانید. بَلْ اَحیاءٌ؛ اینها زنده هستند؛ همان تعبیری که در باب شهدا وجود دارد. بنابراین، اینها را ما شهدای خدمت، می‌دانیم، همچنان که مردم گفتند؛ از دل مردم جویشید این تعبیر «شهید جمهوری» و «شهید خدمت»؛ این خیلی با ارزش است. خوب، این مصیبت جدّاً مصیبت سنگینی بود برای کشور.

چند کلمه در باب خدمت رژیم صهیونیستی فرمودم. چند کلمه هم در باب مردم و ملت‌مان که در این قضیه چه جوری برخورد کردند عرض بکنم. چند کلمه هم در باب است؛ ما باید درس بگیریم از حوادث؛ این حوادث برای ما درس است. در باب خود رئیس جمهور عزیزمان، که رحمت خدا بر او باد. همه اعتراف کردند که مرگ کار بود، مرگ عمل بود، مرگ خدمت بود، مرگ صفا و صداقت بود؛ این را همه اعتراف کردند. شب و روز نمی‌شناخت، در خدمتگزاری به کشور، یک نصاب تازه‌ای را به وجود آورد. ما قبلاً هم شخصیت‌های خدمتگزار داشته‌ایم، اما نه در این حد، نه با این حجم، نه با این کیفیت، نه با این صداقت، نه با این پرکاری و شب و روز نشناختن؛ یک نفر جدیدی را آقای رئیس (رحمة الله علیه) در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد. در مسائل خارجی، از فرصت‌ها به بهترین وجهی استفاده کرد. این همه تحرك خارجی و سفر خارجی آثار ارزشمند و باریکی برای کشور داشت، هم برای امروز کشور، هم برای فردای کشور. ایران را در چشم رجال سیاسی دنیا بزرگ‌تر و برجسته‌تر کرد. انقلاب اسلامی را، ملت ایران را، در بیانات خود و در اظهارات خارجی خود، درست تعریف کرد و شناساند؛ لذا رجال سیاسی‌ای که امروز درباره او حرف می‌زنند، از او به عنوان یک چهره برجسته حرف می‌زنند؛ این برای ما همه سال‌های متمادی با مسائل خارجی سرخورش داشتیم، چیز جدید و باارزشی است. سبک دم‌پریتی او در دین خدا داشته که سبک و پیوسته‌ای است، با صمیمیت همراه بود؛ با همه کارانش، با وزرا، با مبدوران دولتی‌ها صمیمیت رفتار می‌کرد. برای مردم، کرامت قائل بود، عزت قائل بود؛ به جوان‌ها برای اظهار نظر میدان می‌داد؛ حرمت مردم را نگه می‌داشت. به جوان‌ها اعتماد می‌کرد، جوان‌ها را تکریم می‌کرد. به کسانی که به خود او بدی کرده بودند، با کرامت برخورد می‌کرد؛ به کسانی که حتی او را هانت کرده بودند، پاسخ تند، پاسخ زشت، پاسخ عصبی نمی‌داد. متقابلاً در مرزبندی با دشمنان انقلاب صراحت داشت؛ در مورد کسانی که با انقلاب بد بودند، مخالف بودند، دشمن بودند، دوپهلو صحبت نمی‌کرد؛ صریح صحبت می‌کرد، مرزبندی صریح داشت؛ به لیخند دشمن اعتماد نمی‌کرد. اینها ارزش است، اینها درس است؛ هر کدام از اینها برای سیاستمداران ما، برای روسای جمهور آینده ما، برای کسانی که در یک بخشی مورد اعتماد ملت قرار می‌گیرند، یک سرمشق است.

بعد از فقدان این عزیز، من دیدم تقریباً همه روزنامه‌ها، همه مطبوعات، در فضای مجازی، اشخاص گوناگون از جریان‌های مختلف، از خدمات او و تلاش‌های شبانه‌روزی او حرف می‌زنند، از او تمجید می‌کنند، تعریف می‌کنند؛ دلم سوخت؛ دلم برای رئیس سوخت؛ [بعضی از] اینها در زمان حیات او حاضر نبودند یک کلمه از این حرف‌ها را بگویند؛ در زمان حیات او این برجستگی‌ها را می‌دیدند است که اینها ارزش است، بلکه عکس آن را می‌گفتند و او را می‌آزردند. البته او غالباً جواب نمی‌داد اما گاهی پیش من می‌آمد و مقداری شکایت می‌کرد. خدای متعال درجات این مرد عزیز و مغتنم را عالی کند؛ خداوند درجات همه کسانی

تکمیل حماسه با مشارکت حداکثری



را که با همواره بودند عالی کند و به خانواده‌های آنها صبر عنایت کند. این راجع به شخص این عزیزان.
و اما راجع به مردم؛ به نظر من این فصل مربوط به مردم، فصل برجسته‌ای است؛ خوب مصیبت سنگین بود. در مقابل مصیبت سنگین چه جوری برخورد می‌کنیم؟ در مقابل مصائب، چه مصائب شخصی، چه مصائب ملی، واکنش‌ها چگونه است؟ یک واکنش این جور است که انسان در مقابل مصیبت افسرده بشود، منزوی بشود، در واقع از مصیبت شکست بخورد، امید را از دست بدهد؛ این یک جور واکنش در مقابل مصیبت است. یک جور دیگر، یک واکنش دیگر در مقابل مصیبت این است که در برابر مصیبت ایستادگی کند. یعنی همان چیزی که در تعبیرات قرآنی به آن «صبر» گفته می‌شود؛ صبری یعنی ایستادگی در مقابل مصیبت صبر کند؛ بلکه علاوه بر صبر، از مصیبت یک فرصت برای خود بسازد، حماسه بیافریند، از حادثه تلخ، نتایج شیرینی بگیرد؛ ملت ایران این دومی را انتخاب کرد. ملت ایران در مقابل این حادثه تلخ حماسه آفرید؛ این اجتماعات عظیم، این حماسه آفرینی فوق‌العاده ملت ایران در بدرقه این عزیزان، یکی از آن کارهای برجسته ملت ایران است.

ملت ما در طول سال‌های انقلاب و پس از انقلاب، کارهای بزرگ زیادی انجام داده است؛ یکی از کارهای بزرگ همین است که در عرض عزیزان خود مثل شهید سلیمانی، مثل شهید رئیسی و دیگران، عزاداری او حماسه بود. این اجتماع میلیونی در تهران، در مشهد، در تبریز، در قم، در ری، در روز پشت سر هم، در زنجان، در مراغه، در نجف‌آباد، در بیرجند، این اجتماعات عظیمی که مردم تشکیل دادند، این حماسه‌ها نشانه‌ای است که این مردم از این جور مصیبت‌ها شکست نمی‌خورند بلکه استقامت‌شان، انگیزه‌شان بیشتر می‌شود.

این اجتماعات پرشور پیام‌هایی داشت؛ یکی از پیام‌ها همین بود که ملت ایران پرانگیزه است، خسته‌نشو است، ایستاده است، زنده است، در مقابل حوادث گوناگون حضور خود را نشان می‌دهد، انگیزه خود را نشان می‌دهد. پیام دیگر اینکه میان مردم و مسئولان سطوح بالای کشور، ارتباطات و علاقه و دلچسپی عاطفی وجود دارد؛ درست عکس آنچه دشمن می‌خواهد تلقین کند. دشمنان دمام در بیرون گفتند، بعضی‌ها هم متاسفانه در داخل تکرار کردند. نظام جمهوری اسلامی سرمایه ملی خود را از دست داده؛ نه، اینکه یک رئیس جمهوری از دست مردم گرفته بشود، مردم به صورت میلیونی بایبند داخل خیابان، این سرمایه ملی است. در هیچ نقطه دنیا چنین چیزی وجود ندارد.

این در هیچ نقطه دنیا، در هیچ کشور دیگری دیده نشده است. بعضی از روسای جمهور در کشورهای بودند که مردم اینها را دوست می‌داشتند، در مرگ اینها هم مردم عزاداری کردند؛ بنده در یاد هست موردی را، اما قابل مقایسه با آنچه در اینجا اتفاق افتاد نبود.

اینجا مردم با این عظمت وارد میدان شدند؛ این بی‌ظنیر است. در هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. این، ارتباط مردم و مسئولان است؛ ارتباط مردم و سرداران است. حالا مساله امام بزرگوار که از این مقوله‌ها خارج است؛ آنچه در رحلت امام بزرگوار پیش آمد، خارج از این مقوله‌ها است؛ آن یک حقیقت دیگری بود. اما همین مسئولان خدمت مردم، مثل سلیمانی، مثل رئیس، مردم با اینها این جور رفتار می‌کنند. یک پیام دیگر در این اجتماعات این بود که مردم طرف‌دار شعارهای انقلابند، این را نمی‌توانند کتمان کنند، چون مرحوم رئیس (رضوان الله علیه) صریحاً شعارهای انقلاب را می‌داد، مظهر بزرگوار این انقلاب بود؛ مردم وقتی برای ملت ایران احترام می‌کنند، در واقع دلچسپی خودشان به شعارهای انقلاب را نشان می‌دهند، چون او مظهر شعارهای انقلاب بود.

یک مطلب دیگر اینکه مردم قدردان خدمتگزاران خودشان هستند؛ این را مسئولان ما بداندند، توجه کنند. مسئولان خیال نکنند که اگر خدمتی کردند، این از یاد مردم خواهد رفت؛ نه، مردم می‌شناسند، می‌فهمند، قدر دارند؛ این مشوق خدمت است. این مضامین مهم برخاسته از اجتماعات مردم، در معادلات سیاسی منطقه اثر خواهد گذاشت؛ اینها در تبیین قدرت منطقه و توزیع قدرت در منطقه اثر دارد؛ که تحلیل‌گران سیاسی بزرگ دنیا و رجال سیاسی دنیا نگاه کنند. ببینند این ملت ایران است؛ با این انگیزه، با این علاقه، با این حضور، با این آمادگی، با این پای‌های کار بودن.

این، واقعیتی‌هایی از ایران و ایرانی را به دنیا منعکس می‌کند.

یک مطلب دیگر هم که آن هم مهم است، این است که کشور با وجود [از دست دادن رئیس جمهور توانست آرامش و امنیت خود را به‌طور کامل حفظ کند.

خب، بردان و خواهران عزیز! عرض من تمام شد. یک جمله در باب انتخابات عرض کنم. انتخاباتی که پیش روی ما است، کار بزرگی است؛ این انتخابات یک بدیده پر دستاورد است؛ این انتخابات که در پیش روی ما است اگر ان‌شاء الله با خوبی و شکوه و عظمت برگزار بشود، یک دستاورد بزرگ برای ملت ایران است. [اینکه] بعد از این حادثه تلخ، مردم جمع بشوند به آراء بالا مسئول بعدی را انتخاب بکنند، انعکاس این در دنیا انعکاس فوق‌العاده‌ای است؛ لذا این انتخابات بسیار مهم است. این حماسه انتخابات، مکمل حماسه بدرقه شهدای است؛ این کار مکمل کاری است که قبلاً در بدرقه شهدای کردید. ملت ایران برای اینکه بتواند در معادلات پیچیده بین‌المللی، منافع خودش را حفظ کند و عمق راهبردی خودش را تثبیت کند و ظرفیت‌ها و استعداد‌های طبیعی و انسانی خودش را به مرحله بروز و ظهور برساند و کام مردم را شادترین کند و همچنین بتواند حفره‌ها و رخنه‌های اقتصادی و فرهنگی را پر کند، احتیاج دارد به یک رئیس جمهور فعال، پرکار، آگاه و معتقد به مبانی انقلاب.

توصیه آخر بنده راهم گوش کنید؛ در این حرکت عظیمی که انجام می‌گیرد، در رقابت‌های پیش روی انتخاباتی بین نامزدها، اخلاق حاکم باشد؛ بدگویی کردن، تهمت‌زدن، لجن‌پراکنی کردن، کمکی به پیشرفت کارها نمی‌کند، به آبروی ملی هم لطمه می‌زند. صحنه انتخابات صحنه عزت و حماسه است، صحنه رقابت برای خدمت است، صحنه کش‌وکاوکش برای به دست آوردن قدرت نیست. برادرزانی وارد میدان مبارزه انتخاباتی و رقابت انتخاباتی می‌شوند، این را به عنوان یک وظیفه بدانند؛ آنها به وظیفه‌شان عمل کنند، خدای متعال هم دل‌های مردم را ان‌شاء الله هدایت خواهد کرد؛ بهترین گزینه‌ها ان‌شاء الله یک رئیس جمهور شایسته برای ملت ایران تعیین خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته